

# جبهه متحد خلق

## پایگاه متشکل وسیع برای پیشبرد «خط امام»

تداوم انقلاب، بویژه گسترش و تعمیق جنبه ضد امپریالیستی آن، بار دیگر تشکیل جبهه متحد خلق را چون ضرورتی مبرم در دستور روز گذاشته است. دوگانگی حاکمیت، که زائیده سیاست سازشکارانه دولت موقت آقای بازرگان بود، فرمان رهبر انقلاب، امام خمینی، پایان یافت و مأموریت خطیر رسیدگی و اداره امور کشور در حال انتقال، به شورای انقلاب محول گردید. شورای انقلاب نیز برای پیشبرد «خط امام» برنامه کارش ماده‌ای خود را اعلام داشت.

تردیدی نیست که پیروزی در اجرای مواد این برنامه بستگی به میزان پشتیبانی و همکاری عملی همه نیروهای راستین انقلاب، همه زحمتکشان و مستضعفان دارد. تجربه دوران پس از انقلاب نشان میدهد که شورای انقلاب بطور کلی از چنین پشتیبانی و همکاری برخوردار بوده و بارخاسته‌ای امام در لحظات حساس و پر مسئولیت از آن بهره‌مند شده است. لیکن برای آنکه «خط امام» با دوختل اساسی ضداپریالیستی بقیه در صفحه ۲

**امام خمینی:**  
**ملت مظلوم**  
**میخواهد ظالم**  
**و توطئه گر را**  
**محا کمه کند**

امام خمینی در سخنان تاریخی خود به نماینده پاپ، در روز ۱۹ آبان ۱۳۵۸، میانجیگری پاپ را در مورد مناسبات ایران و امریکا مسئله استرداد شاه مخلوع رد کرد. متن کامل سخنان امام در صفحه ۳ چاپ شده است

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۹۰  
دوشنبه ۲۱ آبان ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ ریال

طبقه کارگر قهرمان ایران در میدان پیکار علیه امپریالیسم، آماده است

# صفوف متحد خلق را علیه امریکا

## فشرده تر کنیم!

هر روز هزاران کارگر به مقابل لانه جاسوسی آمریکا می آیند و نفرت خود را نثار آمریکا میکنند

## اینست سیمای زشت امپریالیسم امریکا



کارگران قهرمان در برابر لانه جاسوسی آمریکا در تهران

اشغال لانه جاسوسان امریکا در ایران بدست دانشجویان مسلمان هرو خط امام، موج بر توانی از همبستگی در افکار عمومی جهان پدید آورده است. در امریکا نیز توده های مردم، که بار تجاوزگری امپریالیسم امریکا، استثمار انحصارات، تبعیض نژادی، سیاست تسلیحاتی، بیکاری و فقر را بر دوش می کشند، سیاست مداخله جویانه امریکا در امور داخلی ایران و بیانه دادن بشاه مخلوع تبهکار را محکوم و هروند همبستگی خود را با مردم ستمکشیده ایران تحکیم می کنند. تظاهراتی که پس از نمایش فیلم «آزادی» درباره انقلاب ایران، از سوی تماشایان امریکائی انجام شد، تجلی این همبستگی است.

صدای نرومند، صدای کارگران خروشان و توفنده، گره خورده با فریاد خلق، رساترین بانگی است که از مقابل جاسوس خانه امریکا گوش می رسد. این صدا سلابت دیگری دارد، معنای دیگری می دهد - نیروی خلق را سد بر امری کند، مهرنگر آمریکا!

طبقه کارگر ایران، که بیشتر از هر کس با خون و کوشش خود ستم امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را لمس کرده است، از آغاز اشغال سفارت، همگام ترین تایید

کننده این عمل انقلابی بود. کارگران، گروه گروه، با لباس کار، کاسکت برس، پینه بردست، از پای ماشین ها می آیند، از همانجا که صافه جا نشان را امپریالیستها سالهای طولانی مکیده اند. کارگران با مشت های گره کرده و قلب های پرنفرت از آمریکا می آیند و در شعار و سرود خویش پایان آقائی سرمایه را فریاد میکنند. گوش کن! این صدای ابدی «کار» است که از مقابل لانه خونخوارترین دشمنش، «امپریالیسم»، بگوش

بقیه در صفحه ۲

## پاکسازی ارتش، مهمترین گام در راه پاکسازی دستگاه دولتی

پاکسازی دستگاه های دولتی از وظایفی است که فرمان امام، بدنیال استعفای دولت بازرگان، به شورای انقلاب محول گردیده است. یکی از دستگاه های دولتی و مهمترین آنها ارتش است. اگر کوتاهی در پاکسازی اداراتی از دستگاه های دولتی نظیر مثلا اداره ثبت اسناد حیواند مشکلاتی برای مردم فراهم سازد، و یا مثلاً مسامحه در پاکسازی وزارتخانه های نظیر وزارت بازرگانی می تواند باعث خسارات ملی گردد، تمطل در پاکسازی ارتش می تواند خطرناک باشد.

بنابراین پاکسازی ارتش میبایستی در درجه اول اهمیت قرار گیرد و اکنون که اجرای این امر مهم برعهده شورای انقلاب قرار گرفته، ما امیدواریم به ضرورت اجرای آن توجه لازم مبذول گردد.

پاکسازی ارتش به نظر ما منحصراً به تصفیه ارتش از عناصری نیست که در ارتش شایسته ای بر ضد انقلاب ایران و در خدمت برزخ ضدملی و ضد خلقی و از کون شده، فعال بوده اند. علاوه بر - اخراج - و به نسبت فعالیت ضد انقلابی گذشته، مجازات - اینان، لازم است که صفوف ارتش از تمام افسران و درجه دارانی که در دوره دوران طاقتورند و در انتظار فرصت برای کمک به ضدانقلاب، تصفیه گردند.

بملاوه پاکسازی ارتش، بمعنای وسیع تر کلمه، شامل قطع وابستگی نظامی به کشورهای امپریالیستی، بویژه به امریکا و انگلستان نیز هست. تا زمانی که این وابستگی باقی است، ما ارتش ملی و خلقی شایسته نظام جمهوری اسلامی نخواهیم داشت. لذا قطع

نفوذ امپریالیسم در ارتش، نه فقط از پاکسازی ارتش جدا نیست، بلکه جزء لاینفک و مهمترین بخش آنست.

ارتش - بنا بر این - باید از وجود مستشاران نظامی امریکائی، که هنوز بطوریکه گفته می شود گروهی از آنان باقی هستند، پاک گردد. اینان بی درنگ باید اخراج گردند. بطور کلی راه رسوخ و نفوذ امپریالیسم در ارتش ایران باید بسته و سد شود. از مسائلی که راه را برای این رسوخ و نفوذ مخرب و خطرناک باز نگاه داشته، قرارداد های تسلیحاتی است که توأم با نفوذ و شروط سیاسی - نظامی بین رژیم شاه مخلوع و کشورهای امپریالیستی، بویژه امریکا و انگلستان، انعقاد یافته است. کلیه این قراردادها باید ملغی گردد.

بقیه در صفحه ۲

زمینه برای موفقیت در حل مسالمت آمیز مسئله کردستان آماده تر میشود

در صفحات بعد: در هر اتاق مفت آباد ۱۲ نفر زندگی می کنند

اتحاد شوروی، مدافع رشد مستقل و آزادانه خلق هاست

مصاحبه مطبوعاتی ۵ عضو سرشناس کانون نویسندگان ایران

بنی صدر: مردم حق دارند شاهی را که اینها در این کشور جنایت کرده، مانند جنایتکاری طلب کنند

موفقیت در مذاکرات، برای حل مسالمت آمیز مسئله کردستان، آرزوی ماست - آتش بس شرط حتمی و ضرور برای نیل به این موفقیت است



بسم الله الرحمن الرحيم

# متن کامل سخنان تاریخی امام خمینی به نماینده پاپ

من اگر در این موقع حساس مقامات دیگری تقاضای ملاقات کرده بودند، برای این موضوع نمی پذیرفتم. لکن مقام روحانیت ملت مسیح و پاپ اعظم احترامی دارند که ما پذیرفتیم و اتفاقاً خوشحالم شدم از اینکه ایشان پیام فرستادند تا من مطالبی را به ایشان تذکر بدهم. نزد من ملت ما بلکه ملت های مستضعف جهان اعم از مسلمان و نصاری و غیر آنها یک نقطه ایهام است. میل دارم این نقطه ایها را تذکر بدهم. گوش می دهم و بخصوص امریکا و پنجاه سال است در زیر سیوغ استعمار، بخصوص امریکا و اخیراً فشار مخصوص آقای کاتر هستند و همچنین میلیون ها جمعیت مستضعف دنیا در انتظار نوازش از مقام روحانیت پاپ بود. نوازش پدرانهای که لاقال استعمار از حال این مستضعفین بکنند و نسبت به مستکبرین که به اینها ظلم کرده است همداری داده شده باشد و مانعگیری کرده باشد. بین ملت های مستضعف و آن ابرقدرتها که خواهان یک مسمی مرفسی میکنند و این گوشها همچون ندای روحانی را نشنیده.

ما، پنجاه سال کشته دادیم، کشته های دسته جمعی، در حبس بودیم، حبس های غیر انسانی که بهترین افراد این ملت را در آنجا شکنجه های غیر انسانی میدادند و یک میانجیگری در کار نبود آقای پاپ اعظم به فکر این افتادند که از این ملت مستضعف پشتیبانی کنند یا لاقال میانجیگری کنند که ایشان دست از سر این مستضعفین بردارند و چه شده که امروز ملت ما و جوانان ما که سالهای طولانی تحت فشار و تحت رنج بودند رفتند و چند نفری را که در آن لانه جاسوسی بسر میبردند و عامل توطئه و جاسوسی بر ضد ملت ما بودند، بلکه بر ضد منطقه و قرائن و خواهان بر این امر زیاد است، بزرگترین شاهد اینک تمام پرسونده ها و چیزهایی که در آنجا بوده است تا نخواستند بدل به پودری گردند که دیگر قابل استفاده نیست.

## خواست همه ملت

اگر اینها یک مسائل مفادتی بود و مربوط به توطئه های پر ضد ملت ما نبود است محتاج به این عمل نبود. حالا که توطئه برای ملت ما ثابت شده است و عمل جوانان ما را تمام ملت و قشرهای آن الا بعضی متحرفین در اینجا و در سایر ممالک دیگر، از آن پشتیبانی کردند و این خواست تمام ملت ما بوده است نه خواستی که از روی هوای نفسانی باشد. توطئه هادر آنجا بر ضد بشر و کشور های اسلامی به خصوص بر ضد ایران است. این حق از برای ملت ما است. سفارتخانه ها حق قانونی ندارند که جاسوسی بکنند و سفارت آمریکا آنطوریکه کارشناسان تاکنون توانسته اند بفهمند مرکز جاسوسی توطئه بوده است. چه شده که در این وقت آقای پاپ اعظم به فکر این افتادند که برای حریفان دست راستی آنان را آزادشان کنند. خوب انسان با دشمنان خودش هم رفتار خوب می کند. این جوانان که اسلامی هستند، آفتد که من شنیدم، رفتارشان رفتار انسانی بوده است و نباید هیچ نگرانی از این باب داشته باشند و اما راجع به راهی اینها ما باید ببینیم که چه میخواهیم و ملت ما چه میخواهد. آن چیزی که ملت ما میخواهد آیا یک امر غیر مشروع است یا یک امر انسانی است. آیا بشود دست و پا در کار کرد است این جوانان ما را که بروند و این مرکز را بگیرند و نگذارند توطئه به ثمر برسد یا خلاف آن بشود دست راستی است.

این آدم که الان در امریکا هست، میوهت سال تقریباً رنج دیده است و سوسی و هفت سال به این ملت خیانت کرده است و سوسی و هفت سال حقیقتاً همه جانبه بر این مملکت و بر این ملت از طرف ایشان حکمفرما بوده است با دست خودشان بطوریکه نقل میکنند و با ما بر سر آینه زنده خرداد ۴۲ عده کثیری را قتل عام کرده و با ما از او نژاده خرداد تاکنون شاید بیش از صد هزار نفر مقتول و صدها هزار نفر مجروح و معلولی باقی مانده این ملت با این همه رنجی که کشیده است حالا میخواهد که این جانی برگردد و از روی عدالت محاکمه بشود. اگر محکوم شد که اموال ما که برده است از او بگیرند. الان اموالی که از مملکت ما بدست ایشان و کسانی که مربوط به ایشان است و بانکهای خارج را از امریکا گرفته و تا ممالک غربی بر کرده در صورتیکه من خود میدانم و ملت ما هم آنکه بمن من است مشاهده کرده است و آنکه نیست شنیده است، تاریخ برای او کفته است، که پدرا ایشان وقتی کودتا کرد هیچ نداشت. یکس با زعفر بود. وقتی که بر این مملکت سلطه پیدا کرد شروع کرد بزرز املاک مردم را گرفت. شمال مملکت ما (مازندران) بهترین املاک سرسبز با فشارهای او و اعمال او بزور و بقیاله او در آمد و ساری از کسانی که مالک بودند یا از روحانونی که در این اس نظری میدادند او را می گرفتند و به حبس می بردند و گاهی میکشیدند.

## ثروت ملت در چمدانهای رضاشاه

در زمان خود رضا شاه قتل عام مسجد گوهرشاد را من بخاطر دارم و کسانیکه به سن من هستند بخاطر دارند که در مسجد عمده مسلمانین که مرکز امام نماز و عبادت خدا بود ریختند و یک عید معلومی که برای دادخواهی آنجا مجتمع شده بودند قتل عام کردند و از بین بردند. وقتی که از ایران بیرون رفت، یعنی بیرونش کردند، جواهرات ایران را هر چه توانست در چمدانهای زیادی ریخت و از این جا برد و در برین دریا انگلیس ها از او گرفتند، بردند و خوردند تا زمان اوسر رسیده و نوبت به سر رسید که همین پسر جانی را متعاقب بر ملت ما تحویل کردند. در صورتیکه ملت ما به جهت آن چیزها که از پدر دیده بود هیچ راضی به این نبود که سر او را بپذیرند. لکن به ملت ما او را تحویل کردند و این تحویل سپاسد که هر چه آنها بخوانند این دست و چشم بسته در اختیار آنها بگذارند. اگر بخوایم در طول مدتی که اوسلطنت داشت خیانت های که با ما کرده است به شمریم بسیار زیاد است. لکن از نونهائی که به اسم خدمت به این کشور انجام داده است، ما موریتی بوده است که در ازای نفتی که از مملکت ما برای آمریکا خارج میشود، اسلحه و مهمات بگیرد. در صورتیکه آن اسلحه و مهمات برای خودش و برای پایگاههای امریکا بوده است و این آدم نفت ما را داده و برای آنها به اسم پول نفت پایگاه درست کرد. در این ده یا نوزده سال اخیر آنقدر خیانت کرد و آنقدر جوانان ما را کشت و آنقدر جیب های او از جوانان ما پر بود که نمیتوانیم بشمریم.

ما میل داشتیم که در طول این مدت از طرف یکی از مقامات روحانی خارج و بخصوص روحانی بزرگ نصاری یک تقاضای از حال این ملت ضعیف شده باشد. من نمیتوانم باور کنم که وایتان از این مسائل بی خبر بوده است و نمیتوانم این نکته ایهام را چه بکنم. اگر ملت از من پرسید که روحانیت مسیح موافق با این جنایاتی که اینها کرده اند میباشد، من هم جواب میدهم. بدیم. روحانیت مسیحی که میداند آن کریم طر فداری از مسیح و طر فداری از صلیب ظاهره مریم برخاست و آن چیزی که خلاق واقع نیست با ظاهره مظهره میداند یا صراحت تکذیب کرد و این طر فداری از عیسی مسیح کرده و بیاز طر فداری از علمای نصاری رهبانان و قدیسین نصاری در قرآن شده است در عین حالیکه اسلام طر فداری از مسیح و علمای مسیحی کرده است. ما میل داشتیم که گوش ما را یک وقت هم نغمه امثال آقای پاپ نوازش بدهد و استغفار کند که این ملت چرا با این وضع پس میرود و از کار بر سر است و استیجاب کند که چرا یک همچون آدمی را شما بر این ملت مسلط کردید و الان هم از کارش بر سر است که چرا یک نفری که سی و چند سال خیانت و جنایت کرده است و جنایات و خیانات او میشود است چرا او را بریدید و نگاه داشتید و باز در آنجا هم میخواهد توطئه بکنند؟

## کارتر، به هر جنایتی دست میزند

ما از دست و پا کردن کارتر هیچ تعجب نداریم برای اینکه او مردی است سیاسی، نه به معنی سیاست سالم، به معنی سیاسی که در نظر امثال کارتر است. او بطوریکه شده برای خود و منافع شخصی و یا به توم اینکه منافع ملتش است، دست به هر جنایتی میزند که میداند این اشخاصی که الان پیش این جوانان ما هستند و ممکن است از آنها مسائلی کشف شود، کشف بشود. او باید این کار را بکند. لکن آقای پاپ چرا واسطه میشوند ما بین یک ملت مظلوم که میخواهد یک مقداری از ظلمهایی که به او شده است کشف کند و بر مردم مستضعفین بهمانند که چه ظلمهایی شده است و چرا اینها ظلم میکنند و میخواهد ظالم توطئه گرا محاکمه کنند. ما اگر میتوانستیم پیش قدم میشدیم که ایشان در یک کشور دیگری محاکمه بشود لکن آنجرا نمی که او کرده است و آن پرونده هایی که ما از او داریم و آن شهودتی که بالغ بر چندین میلیون هستند و مداریم، به کشاورزها ظلم شده است، بکارگرا ظلم شده است، به علمای دین ظلم شده است، به دانشکاه ها ظلم شده است و این همه شاهد های ما هستند و ما نمیتوانیم چندین میلیون جمعیت، بیش از بیست میلیون جمعیت را برای شهادت بخارج ببریم. لکن ما برای اینکه احترامی ب مقام پاپ گذاشته باشیم، حاضریم او را در مملکت ما بیاورند و آقای پاپ هم نمایندگانی

به اینجا بفرستند و هر کس هم میخواهد نمایندگانی بفرستند و در دادگاهی که از او دعوت کرده است، شرکت کنند، او را برای دادخواهی در حضور نمایندگان پاپ و نمایندگان هر کس دیگری، حتی نماینده بدترین دشمن ما، که عبارتست از کارتر، بیاورند و محاکمه کنند و هر طوری که محاکمه حکم کرد، ما و ملت ما حاضر است.

## اسلام اجازه نداده دیکتاتوری بکنیم

آقای پاپ این را بدانند که مسئله ای نیست که من بتوانم به شما حل کنم. ما بنا بر این نداریم که تحمیلی بملت بکنیم و اسلام اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آراء ملت هستیم. ملت ما هر طوری رای داد از آنها تبعیت میکنیم. خدای تبارک و تعالی و پیغمبر اسلام به ما حق نداده اند که به مصلحتان چیزی را تحمیل بکنیم. ملت ما هر گاه وقتها مایک تقاضایی از اینها بکنیم. تقاضای متواضعانه، تقاضایی که خادم یک ملت از ملت میکند، لکن اساس این است که این مسئله دست من و امثال من نیست و دست ملت است و ملت پشتیبانی از این کار اعلام کرده است، بطوریکه اگر اطلاع داشته باشید، رادیو کلمه تأییدات مردم را اعلام میکرد و انسان خسته میشد. در هر صورت مسئله ای که ما میخواهیم، یک مسئله انسانی است، یک مسئله ای است که بشود دوستی اقتضای آنرا میکند. ملت ما به اعتبار اینکه مسلم است، بشود دوست است و شما هم به اعتبار اینکه ملت مسیح هستید، باید تبعیت از مسیح بکنید و بشود دوست باشد آنطوریکه حضرت مسیح بود و مسیح بشود دوستی که ملت ما را وادار میکند که به جنایات ایشان رسیدگی بشود معلوم کرد که کی در دنیا ایشان را وادار به این جنایات کرده است.

مردم دنیا بفهمند دشمن بشر چه کسی است و چه کسی او را وادار کرده که تمام قدرت خود را صرف ظلم کردن ب ما و جنایتکاری و بردن ذخایر ما بکنند و تا ملت ما عبرت بگیرند. بنا بر این آقای پاپ چه حکم میکند، من از ایشان می خواهم با کارتری که به ایشان ملتی شده است، تماس بگیرند و مسائل را درست بررسی کنند و استیجاب بفرستند آنجا مسائل را بررسی کنند. اگر واقعا آقای پاپ تشخیص دادند که آنچه ظلمهایی که ما شده است و این همه قتل و عامهایی که شده است و این همه ذخایر را که از این ملت ضعیف بردند، ملتی که الان هم در کنار شهرهایش، حتی شهر تهران، در خانه دارند و نه نان دارند و نه کاری دارند، ممالک ذخایر ما در بانکهای خارجی بدست ایشان انبار شده است اگر واقعا آقای پاپ این مطلب را صحیح میدانند، اگر ایشان این مطلب را شنیده اند، حالا ما به ایشان اعلام میکنیم که مسئله این است. اگر باز ایشان میگویند که باید وسائل رفتن اینها را بدوین اینکه آن آدم را با تحویل بدهند و بدوین اینکه حاضر به محاکمه بشود، فراهم کنیم، اعلام بکنند و امکان نمیکند ایشان چنین اعلامی را بکنند برای اینکه امکان و اصولاً هر انسانی حتماً با اینطور جنایات مخالف است. در هر صورت ما حرف غیر مشروع نداریم ما حرفی داریم که هر جای دنیا بپزد، الا پیش کارتر، قبول می کنند، حرف صحیح است. جنایتکار ما را بریدید و نگاه داشتید. باید بدیدید دست ما این شخصی که جوانان ما را کشته در تاوه گذاشته و بوده است، ایشان را از او کرده است، بدیدید دست ما در حضور نمایندگان همه به عدالت محاکمه کنیم. اگر ما خلاف گفتیم ایشان را باز بیاورند و به تخت سلطنت بنشانند و مردم همه تبعیت کنند و اگر چنانچه او خلاف گفته و آقای کارتر خلاف می کند، شما به حسب نفوذ منتهی که دارید، آقای کارتر را استیضاح کنید.

## پاپ، باید بفکر ملت مسیح و همه ملت های مستضعف باشد

شما بدانید که اینها به اسم اینکه ما مسیحی هستیم بر خلاف مسیحیان رفتار می کنند. اینها بعضی از جنایات را در محلهای روحانیت افکار کرده اند. آقای پاپ باید بفکر ملت مسیح و همه ملت های مستضعف باشد، بفکر آبروی مسیحیون باشد. اینطور اشخاصی که به اسم مسیح همچون کارهای خلاف مسیح مسیح را انجام میدهند، مثل آقای کارتر را به ملت امریکا و به تمام مسیحیان معرفی و اعلام کند و جنایات این را برای مردم بشمارند و همانطوریکه ما نسبت به محمدرضا عمل کردیم که بر مردم شامانندیم، مردم می شناختند لکن تبلیغات کردیم شما

هم اینکار را انجام بدهید و ما در این صورت از شما متش خواهیم بود. ما بچشم اینکه مظلوم هستیم نزد شما دادخوا. می کنیم که ملت مسیح را نجات بدهید. نجات به این است این اشخاصی که در ممالک بزرگ به اسم مسیح و به اسم مسیح آبروی مسیحیون مشوه می شود. من به شما آقای پاپ عرض میکنم که اگر عیسی مسیح امروز بود، کارتر را استیضاح میکرد اگر عیسی مسیح بود ما را از جنگال این دشمن خلق و دشمن نجات میداد و شما نماینده ایشان هستید. شما باید همان کار که مسیح میکند بکنید. خداوند انشاء الله که همه ما را به وظایف الهی و به وظایف دینی آشنا کند و همه ما طرند مظلومین باشیم.

امید است که آقای پاپ توجهی بحال این ملت مظلوم کند و ما را از اینکه نمیتوانیم الان باین وضع مسائل ایضا بپذیریم، معذور دارند، لکن مسئله اولی که ایشان گفتند که اینها خوش رفتاری بکنند، این مسئله حاصل است و من می دارم شما که نماینده آقای پاپ هستید، بروید و اینها را بپذیرید و ببینید که آنها چه وضعی دارند یا آنها صحبت کنند؟ آیا آنها وضع بدی دارند. خوف نداشته باشید از اینکه اینها ناراحت باشند، اینها ناراحت نیستند. لکن آقای کارتر تشبیه از آزادی کرده است و مثل یک شرفی است که همه چیز تثبیت کرد است، گاهی از سوی یک جبهه های میسرمانند که دخالت نظامی میشود گاهی گفته میشود که از حیث اقتصاد محصور میشود. مع الاسف فکر نمی کردیم که خود را ایرانی میدانند و میگویند قبل از اینکه مسلمان باشیم ایرانی هستیم. در صورتیکه او را مسلمان میدانند و نه ایرانی، از کارتر تقاضا میکنم که ایران را محاصره اقتصادی بکند. این ایرانی که بنام بختیار که، انگلستان است و میگوید من ملی هستم، آن مطلبی را که یک روز می گفتیم، شاهدش امر و زبید باشد.

## نه از اقدام نظامی میترسیم و نه از محاصره اقتصادی

یک روز گفتیم که آن ابرقدرتها ممکن است که به سی سال یک کسی را در یک مقامی بیاک وجهه های حفظی کنند نوکر آنها باشند، لکن ما موراد باشد که لباس ملی بخوش بپوشان مثل بختیار که خود را به یک مصدق بستاند و میگوید ما هستیم. بعد از اینکه این قدرتها کشت آن روزی که باید از استفاده کنند، بعد از بیست سال استفاده می کنند ما لاهی طولا، در جبهه ملی بود مدعی ملت بود و مدعی می کنند ما لاهی اولی را، هستم و در جبهه دوم مسلمان به اینکه این خودش کفر است. معذک آن روزی که آنها می خواستند این عنصر بد در شان بخورد و بجای بدترین مخلوق خدا، که محمدرضا بود، مشغول آدم کشی شد و جنایت و دستور آدم کشی داد. منتهی از او اطاع نکردند. او هم می گفت که این ملت را به محاصره اقتصادی بکنم و این هر دو را من باید بگیرم، ما نه از اقدام نظامی میترسیم و نه از محاصره اقتصادی، برای اینکه ما شمه ای هستیم آنها شهادت را استقبال میکنند. ملت ما هم امروز شهادت را استقبال می کنند. و شما که آقای کارتر بتواند افراد نظامی را این جا بیاورد یا اینکه نمیتواند همچون کاری بکنند، فرقه می کنند که تقام کند و ابرقدرتها به ایران نظامی بفرستند، ما پنج میلیون جمعیت داریم که بسیاری از اینها آرزوی شهادت می کنند. ما با این سی و پنج میلیون بمیدان میرویم، بعد که ما شهادت شدیم، خودتان با ایران هر کاری که می خواهید بکنید، از این نمیشود. ما مردم جنگ هستیم. ما مردم مبارزه هستیم. جوانان ما معارضه و مبارزه با تانکها و توپها و مسلسلها کرده است.

## ما مردم مبارزه هستیم

آقای کارتر ما را از مبارزه ترساند، ما اهل مبارزه هستیم و او با این مبارزه ندانسته باشیم اما قضیه اقتصاد ما ملی هستیم که بگرستی خوردن ما عادت کردیم. ما سی و پنج سال یا پنجاه سال در این گرفتاری ها بودیم و به این گرفتاری خوردن ما عادت داریم. ما روزه میگیریم، اگر بنا باشد که آن فرضا که با آنکه محاصره اقتصادی بکنند و همه ملت ما تبع ایضا بشوند و حال آنکه خیالی است خام و همچون چیزی تعقیق پیدا نمی کند فرضا که تحقق پیدا کند، ما همان جزو و کندی در مملکت خودمان کشت می کنیم، همان مقدار کاشت ما، هر هفته یک روز گوشت می خوریم گوشت خوردن هم خیلی چیز خوب هم نیست و در یک روز ممکن است یک وعده غذا بخوریم ما، از این چیزها ترسانند. اگر امر دالی بشود به اینکه آن پرو ما حفظ بشود و با شکمان سر بشود، ما ترجیح می دهیم. آن پرویمان حفظ بشود و شکمان گرفته باشد. من از شما میخوا. که سلام من را به آقای پاپ اعظم برسانید و بگویند که رو علاقه دینی که ما به هم داریم، همه اهل توحید هستیم، اهل خدا شناسی هستیم، ما از شما میخواهیم که به این ملت ضعیف که کینه و نصیحت پدران به همه قدرتها بکنند و آنها را استیضا

و استعمارگر شده ایم. پس باید نجات یابیم و وطن را و هموطنان را از این توطئه کیف برهانیم. کسانی که سر بازان ما را چند روز پیش به گلوله بستند، با آنکه می دانستند این ستون سرچنگ و حتی دفاع ندارد و به تهران باز می گردد، عامل امریالیسم هستند و شکی در آن نیست و ایشان همان قدر متهم به جرم خوداری جسان خواران هستند که کسان دیگری بنام دولت یا ملت سکوت موقرانه و سبوانه مذاکرات را میدل به تشنج و انکار تردید می کنند. اگر در متهم کردن آغازگران فاجعه کردستان و شناختن میزان تقصیر و حدود کار و ادامه دهندگان این نبرد تردید داشته باشیم، در مورد خیانت و جنایت کسانی که ادامه مذاکرات صلح آمیز را با رفتار احمقانه یا توطئه گرانه خود قطع می کنند و برای رسیدن به مطامع سیاسی شوم خود جنگال در خون برادران مسلمان ایرانی فروری برند، هیچ تردید نداریم، خاصه که حضور امریالیسم حجاب

در مطبوعات کشور این توافق را بر همه آشکار کرده است، هنوز کسانی هستند که دانسته یا ندانسته میخوانند که میز مذاکره و از کون شود و دوباره آشتیها خلق مسلمان و انقلابی ایران را به خاک و خون بکشند. ایشان که هستند چه کاره اند؟ از کجا آمده اند؟ چه نام دارند؟

نهایی به معرفی نیست، هر کس، هر گروه که مانع مذاکرات و باعث ادامه کشتار در کردستان شود، خواه در کسوت انقلابیون دولتی در آمده باشد، خواه در دستگر کردها پنهان شده باشد، جز عامل امریالیسم امریکا نمی تواند باشد چرا که ما در هر سوی این سنگر و مردوسی این مهمز دانسته ایم که

## نشانه ملی بودن، موافقت با حل مسالمت آمیز مسئله کردستان است

آنجی در یک جمله میتوان گفت ایست که فاجعه کردستان تنها بسود یک طرف است و آن امریالیسم آمریکاست که سلسله جنایت این نبرد بوده و قربانیان خود را از هر دو سو چنان بر گزیده که بسیاری از آنان هنوز نمیدانند برای چه بخاطر که می کشند. آمریکا برای درهم شکستن انقلاب ایران عوامل متعددی را بکار گرفته که یکی از آنها جنگ افروزان کردستان بودند. درست است که علت اصلی این جنگ ناخواسته و نا برابری حقوق طبیعی کردها یعنی خودگردانی آنها بود، همانگونه که حق بسیاری از اقوام ایرانی در هر جای ایران است. اما آمریکا از این سبانه استفاده کرد. هر چند آمریکا بخواهد دیگری هم میتواند کردستان، خوزستان، آذربایجان، سیستان و بلوچستان را بسخته نبرد بین قدرتهای داخلی مبدل کند. حالا اشتباه رخ داده و

کارخانه دار اصفهانی ۲۵ میلیون تومان سود می برد

... این چه حکومت اسلامی است که یک کارخانه دار اصفهانی می تواند در این شرایط ۲۵ میلیون تومان سود خاص بدست آورد. بدتر از این باید به سیستم بانکی کشور اشاره کرد. چون از یک طرف پسر مینای اصول اسلام را بخوار می حرام و نفی میشود و از طرف دیگر بانکها در گرفتن بهره از نوامردان و همچون ابائی ندارند و با علم بر واقعیت ظالمانه بودن سیستم بهره گیری، در گذشته مسئولین اقتصادی

**خواندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس های زیرین با مردم مکاتبه کنند:**  
Pigal Albert  
B.P. 76160  
75001 Paris  
ایتالیا  
Shams  
Via G. vincon, 44  
Ostia (Roma)  
Tel. 0614922(TUDEH)  
انگلیس  
P.O. Box 141  
London, E70PE

# بختیار دشمن کین توز مردم ایران

مصاحبه شاپور بختیار با میچائیل فیلد، خبرنگار دلیلی-لنگراف، که در روز ششم نوامبر، برابر ۱۵ آبانماه جاری صورت گرفت، یکی از گستاخانه‌ترین و ضدانقلابی‌ترین مصاحبه‌های است که تنها یک عنصر آبرو-باخته، که میدانند آب زسروش گذشته و کوبش رسواایش سر سر کوجه و بازار نواخته شده، میتواند بدان مبادرت ورزد.

مصاحبه بختیار با نماینده دلیلی لنگراف در حقیقت مقابله بشرمانه است با اقدامات قاطع و انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در اشغال لانه جاسوسی آمریکا در ایران، و خوب روشن است که این عمل انقلابی، که از پشتیبانی وسیع تمام مردم ایران برخوردار است و وسعت افشای بقایای اجناس استاجاسوسی ایالات متحده شده، آنچنان دل شاپور بختیار را لرزاند که است که برای مقابله با مردم ایران، حتی از مرتجع‌ترین و درنده‌ترین مشاورین کابینه استالین برژنفسکی- نیز جلو زده و توصیه‌هایی بکارت می‌کند که خود مشاورین کابینه جرات می‌مانند که صحبت آنرا در خود نماندند. مصاحبه بختیار در چند زمنه در زمین زنده که هر یک آنها مستلزم بحث جداگانه‌ای است و ما در اینجا تنها یکی از آنها را می‌بینیم و بقیه سخن را برای آینده می‌گذاریم.

اما پیش از ورود در اصل موضوع مورد بحث امروز، لازم میدانیم نکته اصولی دیگری را تذکر دهیم. دولت بریتانیای کبیر، که تا زمان جنگ جهانی دوم قدرت امپریالیستی مسلط و بلامنازع در ایران بود، در طی مدت دو و نیم سال مهن ما را در زیر چنگال درنده خود به هم می‌فروشد و سپس جای خود را بدست دولت مسلط به‌سر-عربی خود می‌دهد. در این اواخر که موج تظاهرات مردم ایران یکبار دیگر بالا گرفت و بقول امام خمینی انقلاب بزرگتری آغاز شد، چون بملت قبول کردن تنوری مانند بختیار در انگلستان و فرام آوردن همه گونه وسائیل تبلیغاتی علیه انقلاب ایران برای او، خود را در معرض تخریب شدید تمامی مردم و عمری انقلاب مشاهده کرد. باین عذر متوسل شد که بختیار در انگلستان سکوت ندارد و مصاحبه او به طور اتفاقی صورت گرفته است. ولسی چون بختیار به آریس بازگشت، بازم خبرنگارانی که بستگی نام و تمام آنها با سیاست امپریالیستی بریتانیا کاملاً آشکار است، در پاریس بسر وقت آوردند، تا بهر صورت چنگالی از زبان او علیه ایران برانگیزند. در رابطه با این موضوع، این نکته را نباید متذکر شد که دولت فرانسه بجه مجوزی عنصر تبهکاری مانند بختیار در کف حمایت خود می‌کند و برای اوتام و وسائیل تبلیغاتی و معاصبه‌های ضد انقلاب ایران را تدارک می‌بیند؛ آیا می‌خواهد «خطای» خود را در زیر قفن امام ببیند و سیله جبران کند؟ و آیا دولت فرانسه با اتخاذ چنین روشی خود را در رویف ایالات متحده و انگلستان

## اخبار کارگری

### شرایط دشوار زندگی و کار کارگران کفاش اصفهان

در شهر اصفهان حدود بیش از چهار هزار نفر کارگر کفاش تحت سخت‌ترین و ظالمانه‌ترین شرایط بکار مشغولند. با توجه باینکه در کلیه کارگاهها و دکاهن کفاشی، کارگران را با سیستم کار مزدی تحت استثمار شدید در آورده‌اند، اکثر کارگران با حداقل روزانه ۱۲ ساعت کار مداوم، حتی معادل حداقل دستمزد معین شده از وزارت کار را نیز دریافت نمی‌دارند.

کارگران کفاش در ایام تعطیل رسمی و همچنین ایام مرخصی استعلاجی ویناری دستمزد دریافت نمی‌کنند. از پرداخت حق مسکن و حق اولاد و خواربار بکارگران کفاش اصفهان خبری نیست. کارگران کفاش اصفهان دائماً در معرض اخراج و تعطیل کار هستند. کارگران کفاش اصفهان از سندیگای کارگران، که در زمان طاغوت با ایشان تمایل شده است و هنوز هم همان عنوان خود را سندیگای کارگران کفاش اعلام می‌دارد و هیچگونه اقدام عملی جهت احقاق حقوق انسانی و حقه کارگران بر نهمیدارد، ناسازی هستند. سندیگای مذکور در زمان طاغوت بنام سهام شرکت تعاونی مهانی پول از کارگران دریافت داشته که تاکنون از آن نتیجه‌ای نمانده کارگران نشده است. اکثر کارگران فاقد دفترچه خدمات درمانی بیمه‌های اجتماعی هستند. کارفرمایان یا بهرست حقوق به سازمان بیمه‌های اجتماعی تسلیم نمی‌دارند و ویالست‌های نادرست سازمان مذکور می‌دهند.

هنگام زیادی از کارفرمایان در مقابل درخواست صدور لیست حقوق و ارائه آن به سازمان بیمه‌های اجتماعی، کارگران خود را تهدید با اخراج می‌کنند.

کارگران کفاش اصفهان خواست خود را بشرح زیر اعلام کرده‌اند و از اداره کار استان و سازمان بیمه‌های اجتماعی درخواست رسیدگی فوری دارند:

- ۱- برقراری دستمزد روزانه در قبال ۸ ساعت کار.
- ۲- پرداخت اضافه حقوق نسبت بساعات کار اضافی طبق مقررات قانون.
- ۳- صدور لیست حقوق واقعی و تسلیم آن به سازمان بیمه‌های اجتماعی.
- ۴- برقراری حقوق برای ایام تعطیلات رسمی.
- ۵- پرداخت ۴ ماهه حقوق بیکاری دوران انقلاب.
- ۶- پرداخت کلیه مزایای قانونی اعم از حق مسکن و حق اولاد و خواربار.
- ۷- محاسبه و پرداخت کلیه تفاوت حقوق‌های دریافتی گذشته نسبت به حداقل دستمزد قانونی با احتساب اضافه کاری‌های انجام شده.

### پیروزی کارگران شرکت ساختمانی جلگه در آراک

در عملیات احداث و نگهداری خانه‌های مسکونی، شش ستمی آراک، متعلق به شرکت خانه‌سازی «کاسپ» (خانه‌سازی سکائی سابق) حدود بیش از هزار نفر کارگر و تکنسین مشغول بکارند که کارهای اجرائی آن به مدت شش کتهای ساختمانی جلگه در آراک است. کارگران آراک در پی پیروزی خود در پیروزی حقوق‌موقه کارگران خودداری کرد. کارگران با انتخاب معرفی و دفتر نمایندگان خود، تصمیم خود را مبنی بر اعلام اعتصاب با اطلاع کارفرما رساندند. کارفرما ناچار شد مطالبات کارگران را از باب حقوق شهرورماه و تفاوت حداقل دستمزد و حق اولاد قانونی را از تاریخ اول سال ۱۳۵۸ و بقایای حقوق ایام بیکاری دوران انقلاب را به کارگران بپردازد، ولی کارگران شرکت را نکتین تاکنون از مراجعات خود جهت وصول مطالبات قانونی نتیجه‌ای بدست نیاوردند و خواستار اقدام سریع در مورد پرداخت مزایای قانونی خود هستند.

### گزارشی از کارخانه نساجی شماره ۲ قائمشهر

کارخانه نساجی شماره ۲ قائمشهر، بر سر راه جاده ترانزیتی قائمشهر - ساری واقع است. تعداد کارگران این کارخانه بیش از ۳۷۰۰ نفر است. تولیدات این کارخانه انواع پارچه‌های نخی و پشمی است. بعد از انقلاب، در کارخانه نساجی شماره ۲ قائمشهر، سندیگای فرمایشی که آلت ساواک بود، برپا شد و نیز افراد وابسته به رژیم سابق برکنار شدند.

بجای سندیگای فرمایشی نیز شورا تشکیل گردید. در این جریان رئیس سابق کارخانه، که یکی از مسئولان مستقیم اختناق و سرکوبی کارگران در اعتصاب سال ۵۴ بود، نیز دستگیر شد و دیگری بجای وی منصوب گردید.

### کار کودکان در کارگاههای بلورسازی مشهد

در شهر مشهد دو کارگاه بلورسازی وجود دارد، یکی در خیابان نواب سفوی و دیگری در طرقل ۵ کیلومتری مشهد. در این دو کارگاه مجموعاً ۲۲ نفر کارگر مشغول کار هستند. محصول این کارگاهها شیشه نیمه‌ای، بانک، شیشه‌های چراغ توری، فانوس و گردسوز است. زندگی زیر این سقفها از طلوع آفتاب شروع می‌شود و در ساعت ۲ بعد از ظهر خاتمه می‌یابد. آنچه در لفظ نخست پیش از هر چیز جلب نظر می‌کند، وجود کودکان است که بجای آموزش و پرورش در این استان و بازی با کودکان هم سن و سال، با پاهای دیگر کارگران، از سپیده دم تا وقت تعطیل کارخانه جان می‌کنند.

در کارگاه طرقل، که دو دستگاه پرس و یک دستگاه بادی دارد،

# یاد یاران

در این بابویه، بر سنگی از سنگهای فراوان گورها، چنین می‌خوانیم: «اینجا مهندس گامبیز مخبر، ستاره درخشان تیم ملی بسکتبال ایران آرمیده است. ۲۸۹۱ سال بشایستگی و آراستگی زندگی کرد و یکی از لایق‌ترین جوانان با ارزش وطن ما بود...»



### گامبیز مخبری، ورزشکار مبارز فقیه، هنگام کار

دیدار خسر و روزبه در زندان از خاطرات فراموش نشدنی گامبیز بود، که همیشه با افتخار و خشنودی از این برخورد که تا قریب شکر بر او کرده بود، یاد می‌کرد. این دیدار تا پایان عمر الهام بخش مبارزات مردمی و سیاسی او بود. مهندس گامبیز مخبری، که سرپرستی چند کارگاه ساختمانی را نیز به عهده داشت، روز ۲۱ آبانماه ۱۳۳۸، هنگامیکه عازم سرکشی یکی از این کارگاهها در کردستان بود، در یک حادثه اتومبیل در گذشت. دوستان، جوانان و ورزشکاران مراسم تشییع و تدفین او را، علیرغم تسلط مطلق ساواک در آن دوران، بنظارات پرسشگویی تبدیل کردند.

آقای طاهر احمدزاده، استاندار کنونی خراسان، که سالها در آذربایجان ساکن و محضرهای مخلوع مبارزه کرد و با گامبیز مخبری در سال ۱۳۳۶ در زندان بود، پس از مرگ گامبیز در نامه خود بخانه نواده مخبری، در باره او چنین می‌نویسد: «... بزندان قتل قلمه منتقل گردیدم. در آنجا بود که افتخار آشنایی و اوقات باین جوان با کدل و این انسان با شرف با ارزش را پیوسته کردم... و شیفته مکارم اخلاق، آزادمنشی، آزادی‌خواهی و انساندوستی آن مرحوم شدم. مرحوم گامبیز مخبری برای جامه‌های نظیر ما، که می‌خواهد خود را از تقدیر بند استعمار رها می‌بخشد، وجودی ذوقمند و نهمتی گرانها بود، که از کف رفت... او به فلسفه ورزش بیشتر از خود ورزش علاقه داشت و معتقد بود که ورزش هدف انسانی نیست، بلکه وسیله‌ای است که جسم را سالم و نیرومند می‌سازد تا شخص بتواند در پی توکم سالم و نین نیرومند، با آرمانهای انسانی خود برسد...»

انتخاب نام «گامبیز مخبری» برای سالن بسکتبال مجموعه ورزشی حنیف نژاد (استادیوم سده از نقری) از سوی آقای حسین شاه‌حسینی، سرپرست سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران، انتخابی بی‌شائبه است (که سدها نصاری گری در نامگذاری برماکن و خیابانها را شکسته و امید است دیگر مسئولان نیز از این شیوه مردمی پسندیده پیروی کنند).

آنچه گامبیز مخبری را از دیگر ورزشکاران ممتاز ساخته بود، او ورزش اجتماعی-سیاسی او بود. او همیشه میگفت: «من برای نجات مهنم از چنگال امپریالیسم و نوکران داخلی که بر راس آن شاه چنایکار قرار دارند، برای‌های زحمتکش و رنجبران، راه حزب توده ایران را انتخاب کرده‌ام.»

حداکثر حقوق در این کارگاه ۵۶ تومان است و فقط دو نفر از مسئولان دستکام برس، که کارشان تخصصی است، روزی ۱۰۰ تومان می‌گیرند و از شر کاغذ این شرکت هستند.

کارگران کارگاه دیگر، که در خیابان مصلی واقع است، از امکانات مساعدتری برخوردارند. در این کارگاه فقط ۳ پرس بکار می‌کنند و بقیه بزرگ سالند. حقوق این کارگران بعد از انقلاب به ۵۶ تومان رسیده است. البته همگی از این مزیت برخوردار نیستند و حداقل حقوق ۲۰۰ ریال است.

گامبیز مخبری که بود؟ يك قهرمان، يك انسان والا، يك نوده‌ای صدیقی، او همه اینها بود. گامبیز وروده مکتب حزب توده ایران بود. او از سال اول دبیرستان شرف فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد و سرانجام یکی از فعالین سازمان جوانان حزب توده ایران تبدیل شد و در تمام طول عمر آگاه و پربار خود از کوشش در راه آرمانهای انسانی و سیاسی حزبش باز نایستاد.

گامبیز مخبری در سال ۱۳۳۶، بملت فعالیت‌های سیاسی خود علیه رژیم محمدرضای مخلوع بزندان افتاد. روز ۱۶ آذر ۱۳۳۳، اندک زمانی پس از آزادی از زندان، با زندانیان شد، زیرا با گروهی از یارانش بر مرز زار زنده یاران شریعت‌رضوی و معصومی بزرگ‌نهاد، از مسئولان سازمان جوانان حزب توده ایران و احمد قندی عضو جبهه ملی ایران تاج گسل گذارده بودند. و این سه تن نخستین شهیدهای دانشگاه تهران پس از کودتای ۲۸ مرداد بودند که در سرسرای تالار دانشکده قتل بشرب گلوله در زخمان محمدرضای مخلوع بخاک افتادند.

در چهارم آبانماه ۱۳۳۴، مخبری و چند تن دیگر از ورزشکاران توده‌ای را بزندان افکندند. اینبار گناه او و همراهانش این بود که حاضر نشده در آنروز در برابر محمدرضای مخلوع رزم برونند. پس از آن مقامات فرمانداری نظامی، که از محبوبیت او در بین مردم و سرسختی‌اش در پیکار وحشت داشتند، او را از شرکت در کلیه مسابقات بسکتبال محروم کردند و حضورش را در مسابقات ورزشی حتی بتوان تماشاگر ممنوع ساختند. حضور او نیز چون حضور جهان پهلوان تختی در این نوع اجتماعات، برای رژیم سفاک محمدرضا تحمل ناپذیر بود.

عزیزان با دستگیری خسرو روزبه قهرمان ملی و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، او نیز در قتل‌اندازی شد. روزی، هنگامیکه از اتاق بازرگانی عازم سول انفرادی خود بودند، کنار در ورودی حصار داخلی زندان، به خسرو روزبه، که بملت اصابت تیر به پایش به چوبدستی زیر بفل خود تکیه کرده بود، برخورد کرد. مخبری در برابر چشمان سرگرد سالاری، جلاد و شکنجه‌گر معروف سازمان امنیت که پس از انقلاب شکوهمند خلق ایران اعدام شد، در مقابل روزبه ایستاد و با خضوع تمام در برابرش سر تظیم فرود آورد و نسبت به او ادای احترام کرد این صحنه چنان خشم‌سالاری، شکنجه‌گر ممدوم، و بقول زندان‌ها دیو آدم‌نما، را برانگیخت که گامبیز را مشروب و بسختی مجروح ساخت.

از ۳۲ کارگر، ۱۷ تن به‌همه‌ای زیر ۱۷ سالند، که حدود ۸ نفر آنها زیر ۱۰ سال و از این ۸ نفر، ۴ دختر و بقیه پسرند. در میان این ۸ نفر، ۷ کودک ۷ ساله هم دیده می‌شوند. در این کارگاه دستگاهی است بنام قالب‌بند، که دخترها پشت آن می‌نشینند و بملت گرمای زیاد آن، هر نیم ساعت پشت خود را تمویض می‌کنند. سه دختری که پشت قالب‌بند می‌نشینند ۱۴ تا ۱۵ ساله هستند.

بچه‌های این کارگاه معمولاً با برادر بزرگ و پاهای مادر خود در این کارگاه کار می‌کنند. تا این کارگاهش را از حد نظارت و توانایی بچه‌ها برچهره آنان وصف ناکردنی است و فقط با نظاره کردن برچهره معصوم و پیر شده آنان میتوان به توانفرسائی کار زیر سقف کارگاه پی برد. کودکانی که از هم اکنون بجای سر زمین رویاها، زندگی واقعی عینی را با کوشش و پوست خود حس می‌کنند. آنطور که از گفته یکی از کارگران این کارگاه بر می‌آید، کارگران در صورت عدم انجام کار صحیح، تنبیه بدنی میشوند. یکی از دختران ۱۵ ساله این کارگاه میگفت که چهار سال است در این محل کار می‌کند و حقوقش از ۸ تومان به روزی ۱۵ تومان رسیده و اکنون نیز روزی ۱۵ تومان می‌گیرد. سایر بچه‌ها نیز در همین حدود و حداکثر ۱۵ تومان می‌گیرند.

دو زن نیز باروزی ۱۵ تومان در این مکان مشغول کار هستند.



مردم هفت آباد: از این دنیا، چی نصیب ما شده؟

# در هر اتاق مفت آباد ۱۲ نفر زندگی می کنند

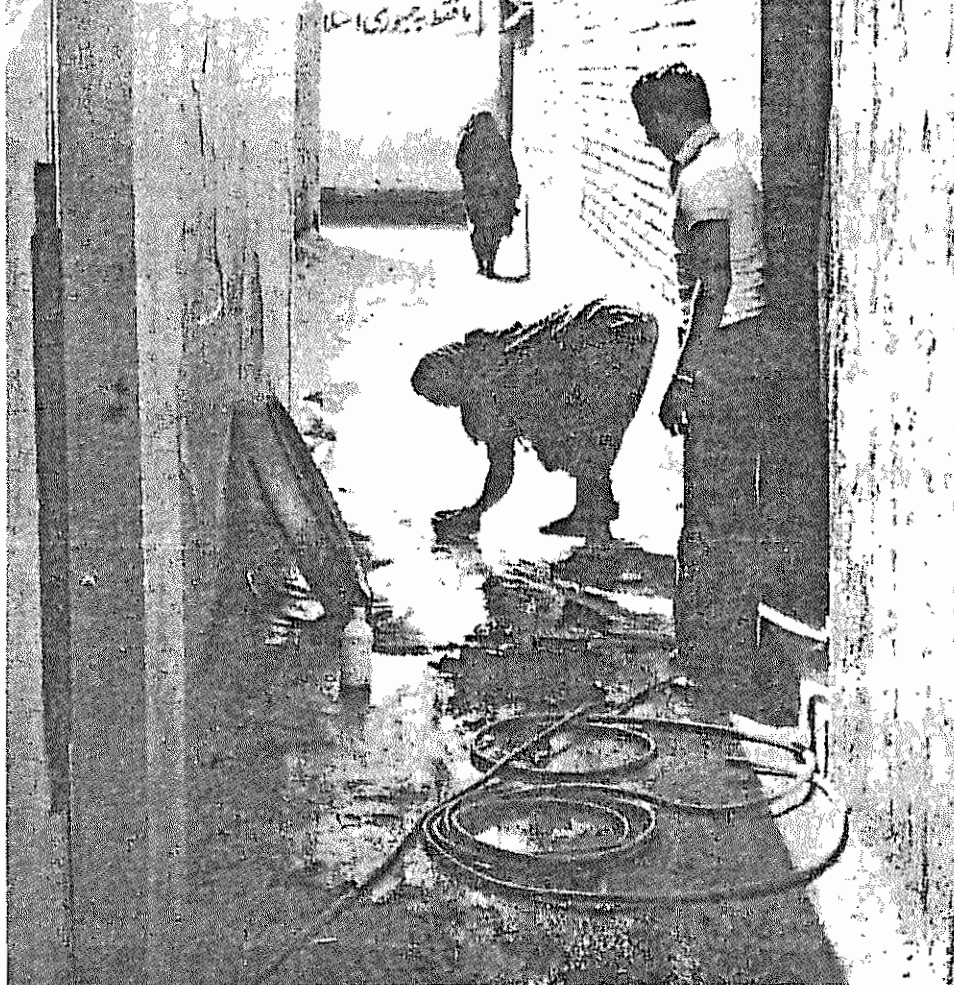
## اعتیاد و بیماری ویسوادی- میراث شوم «تمدن بزرگ آریامهر» برای اهالی مفت آباد است

مفت آباد «با کوچه های خالی و پرپیچ و خم، با جوهای کثیف و پرلجنش، با چشمان به حسرت نشسته کودکانش، چهره های خاص دارد. وارد مفت آباد که میشوی، پیر مردان بانگهای خسته و چهره های تکیده و زرد، روی چهارپایه های کهنه و پوسیده نشسته اند و به چیز نامعلومی می اندیشند. زنان محله خسته از کار همیشگی، در تشریح کج و کوله لباسهای رنگ و رو رفته و کهنه را چنگ میزنند. عرق به پیشانی شان نشسته صمیمانه کار می کنند.

مردانی جوان در گوشه خیابان چمباتمه زده و سر در گریبان فرو برده اند. پای چشم هر کدامشان به اندازه دو انگشت گود نشسته و سمای استخوانی و رنگ پریده اشان خبر از بدهد اعتماد میدهد. هزینه مواد مخدرشان را، که سود آن یکسره به جیب سرمایه داران میرود، زنان و کودکان این محله تامین میکنند. زنان ستم کشیده ای، که از طلوع خورشید تا غروب، در خانه این و آن جان میکنند و کودکانی که با اندام های نحیف خود در پستی خانه ها از کافورهای اطبله پاکت میسازند. مفت آباد هم مثل دهها محله فقیرنشین تهران حاصل نکت سرمایه داری است.

پای صحبت هر کدامشان که میشنوی، از اتفاقاتی تکان دهنده میگویند و فرادانی که امیدوارانه به انتظارش نشسته اند، و فرادانان را زار میسازد و آنها همچنان چشم به راه کسی هستند که از در چوبی رنگ و رو رفته شان وارد شود و بپرسد: دردگان چیست؟ وقتی از آنها میپرسی، چمبیا میگویند: چشمشان را از اشک میسوزد و امیدواری میگویند.

ما هیچ چیز نداریم. به ما هم کمی برسد. مفت آباد در شرق تهران قرار دارد. جمعیت آن نزدیک به ۵۰۰ نفر است. اغلب ساکنان مفت آباد در ستائیه ای هستند که برای پیدا کردن کار به تهران آمده اند و اکنون یکی از حلقه های زنجیره فقری هستند که به دور تهران کشیده شده و چون مار به داخل محلات شهر خزیده است. مهم ترین و عمده ترین مشکل این محله مسکن است. همه اهالی از آن شکایت دارند و خواستار این هستند که از این نظر به آنها رسیدگی شود. مسئله بستی



زندگی در کوچه های تنگ مفت آباد آسان نمی گذرد، ظرف و رخت را هم باید در کوچه شست.

است چه و چندساله پدر؟  
ذکر ای ارون - ۶۵ ساله  
شلت چه؟  
بیکار باز نشسته.  
پیر مرد سکوت میکند. دست به کمرش میگذارد و نااهای میکند و باز شروع به صحبت میکند.  
ماشین منو زده. چهار ساله مریضم.  
یذره آب خوردن هم نداریم.  
شما چند نفری پدر؟  
ما سه نفریم. پسرانم بیکارند. ما فقط یک حقوقی میخوانیم که روزی ما را تامین بشه. من میخوانم بروم پیش امام یک پسر را بردند و کشتند. من به اون نماز یاد داده بودم.  
کست کهنه ای بر تن دار و شلوارش چیزی نیست به غیر از وسایلی که به هم چسبیده. رنج روزگار خمیه اش کرده و اکنون مجبور است که با عصا راه برود. خیلی راحت و شیرین حرف میزند. از

درمانگاه و بیمارستان است. در تمام این منطقه فقط یک درمانگاه وجود دارد با ۲ دکتر.  
**بیاید با هم به دیدار مفت آباد برویم:**  
در رنگ و رو رفته کوچه ای پارک باز میشود و پیر مردی فرود آمدن استانی لرزان به ما خوش آمد میگوید. وارد میشود. حیطه کوچک و مخروبه است بسا در اتاق تاریک و کثیف در گوشه آن، حیطه انباشته از آشغالهای کهنه است. تخت فتری زوار در فته ای، بایوتی چرکین و وصله خورده، جلوی اتاقها خود نمایی میکند. بنظر میرسد هر آن سقف کاهلی فر خواهد ریخت.  
درخت کهنسال حیطه کوچک کمی به این خرابه زندگی داده است. با پیر مرد حرف میزنیم.



مادری در مفت آباد

اینجا لونه سگ یا آدم؟  
زنی جلو میآید و میگوید: «می دونی، برای من مسئله بیمارستان مهمتره. هر دفعه که بیمارستان میروم باید یک عالم خرج بکنم. از کجا بیارم؟ شوهر من میوه فروش دور کرده. فقط اینقدر پول درمیاره که از گرسنگی نمیرم. آخرش وقتی هم اینته پول میدی، همچی به همچی. محل نمیدارن. مریض دوست می میره و انگار نه انگار که اینجا بیمارستانه. دیکه مسئله مهم ما محیط اینجاست که پره از معتاد و چاقو کش و قاشق س. بچه من باید تو همین محیط بزرگ بشه. بعد خودش رامعرفی میکند، سرقیه آشنا مون کوهی - ۲۳ ساله.»

**سقف فرو میریزد؟**  
بچه ها پشت در حیطه جمع شده اند. اهالی خانه از ما پذیرایی میکنند. هر کدام به قسمی سعی دارند محبت خودشان را ابراز کنند. مرد کارگر میگوید: بفرمائین چایی. زنی میگوید: خانما قابل شما را نداره. پور زنی جلو میآید، دستمان را میگیرد و به داخل اتاقش میبرد. سقف اتاق را نشان میدهد و میگوید: نگاه کن اینجا دارم میریزد (راست میگوید) سقف چوبی است و قسمتی از آن شکست داده است. پور زنی حرفش را دنبال میکند.  
مادر، من که نمیتوانم برم اون بالا. سقف داره میریزه. به خاطر همین میترسم برم اتاق بنشینم.  
میترسم، مادر مگه تو کسی رو نداری؟  
میگویند چرا، پسر دارم، اما بستریه، بردند ترکش بدختند.  
میترسم، مادر، است چه؟  
نزدیک میشود و آهسته میگوید: اسمو میخوانی چیکار؟ بدردم برس. هر وقت متخواستی در این حیطه سراغ منو بگیر. به اینجا زیر این سقف، من اینجاستم.

از خانه که بیرون می آیم، همه دعایمان میکنند. خدا نگهدارن باشد. خوشبخت بشی.  
حیطه خانه بعدی کارگاه است. در گوشه ای بچه ها با تدرستی پاکت میسازند و وسط حیطه مردی دو تیر آهن را بهم جوش میدهد. صاحبخانه شروع به صحبت میکند.  
من سقا اطاق دارم که دو تاتش دست مستاجر. ده تا بچه دارم و این اطاق کوچک. بازم و خسودم میشوم ۱۳ نفر. تو همین اطاق میخوانم. تو حیطه هر کار میکنم. بچه هایم پاکت درست میکنند و زهم بیرون از خانه کار میکنند.  
از خانه بیرون می آیم. خانه ته کوچه پر است از بچه های قد و نیم قدی که از بالای ایوان دولاشده اند. لباسهای شسته شده

داشتن در این آتش سوزی تحت تعقیب قرار گرفته است. چند روز پیش نیز یک بانزرگان آمریکایی بخاطر توزیع اسلحه میان هواداران رژیم سرنگون شده سوهورا از نیکاراگوئه اخراج شده بود.  
**توطئه آمریکا علیه کشور گرنادا عقیم ماند**  
توطئه خطرناک امپریالیسم آمریکا برای برآمدن آتش در کشور گرنادا، در حوضه دریای کارائیب، سرنگون کردن حکومت این کشور خنثی شد.  
دولت گرنادا اعلام کرده که بموجب اسناد بدست آمده قرار بود سدها مزدور از فولریدا در آمریکا به گرنادا حمله کنند. سه کشتی تجاری آمریکایی نیز آماده بودند تا به اندازه حمله این مزدوران، اسلحه در ساحل تخلیه کنند. مردم گرنادا خشم و نفرت خود را از این مداخله بیشرمانه ابراز داشته اند.

**همکاری بانزاد پرستان آفریقای جنوبی محکوم است**  
کمیته ویژه مبارزه با آپارتاید مجمع عمومی سازمان ملل متحد در گزارشی اعلام کرد که نازمانیکه نظام ضد بشری آپارتاید کاملاً در آفریقای جنوبی نابود نشود و خلق های جنوب آفریقا نتوانند آزادانه سر نوشت خود را تعیین کنند، آزادی و صلح واقعی در این منطقه برقرار نخواهد شد. این کمیته اعلام کرده که کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان فدرال، که شرکای بزرگ تجاری نژاد پرستان آفریقای جنوبی هستند، حاضر نیستند به قطعنامه های سازمان ملل در مورد آفریقای جنوبی احترام گذارند. کمیته ویژه سازمان ملل یادآور شد که هر نوع همکاری بانزاد پرستان آفریقای جنوبی، این رژیم را در اجرای جنایات خود تشویق می کند. در این گزارش همکاری اسرائیل با آفریقای جنوبی نیز محکوم شده است.

**رویدادهای جهان**

**اتحاد شوروی مدافع رشد مستقل و آزادانه خلق هاست**

مارشال دیتبری اوستینوف، وزیر دفاع اتحاد شوروی، طی نطقی در مجلس شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر گفت که اتحاد شوروی از یک سیاست بی گور صلح و کاهش مسابقه تسلیحاتی بی روی می کند و قاطعانه برای حقوق خلقها در مورد رشد مستقل و آزادانه خود مبارزه می کند.

اوستینوف گفت، در حالیکه کشورهای سرمایه داری غرب با آشوب دست به گریبان هستند، اتحاد شوروی به دستاوردهای بزرگی نائل شده است. دستاوردهای خلق های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نیز در مبارزه علیه امپریالیسم بسیار بزرگ است.

دیتبری اوستینوف گفت که نیروهای ارتجاعی در غرب تلاش دارند با پیش کشیدن به اصطلاح «تهدید شوروی»، نسبت به جامعه سوسیالیستی برتری نظامی بدست آورند.

# آمریکا باید شاه مخلوع را به ایران تحویل دهد

### نکته مرکزی در اینجاست:

## اولویت با مبارزه ضد امپریالیستی است یا با مبارزه در راه آزادیها؟

از اینکه کدام یک مقدم است، دو تحلیل متناقض و دو عملکرد متضاد ناشی میشود.

بحثی که بین نیروهای وارد در جنبش انقلابی، در دوران پس از سرنگونی رژیم شاه مخلوع، در گرفته، بطور ساده بحثی است بر سر اولویتها در زمینه شعارهای سیاسی و وظایف عملی روز.

یک نظر، مبتنی بر اولویت مبارزه علیه امپریالیسم، و بر رأس امپریالیسم آمریکا است، و بر آنست که بر افکندن استبداد سلطنتی خود جزئی از مبارزه مردم ایران در راه و هائی ملی بود و این مبارزه خاتمه نمی یابد مگر با طرد همه آثار سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی سیطره امپریالیستی در ایران و وابستگی ما به آن. امام خمینی این نکت را بعنوان مبارزه علیه دشمنان بزرگ و اینکه انقلاب دوم (مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا) انقلابی است بزرگتر از اولی (مبارزه علیه شاه مستبد، که سائر اب این امپریالیسم در ایران و این امپریالیسم را باب آورد و مستحکم نمود) مطرح کرده است.

حزب توده ایران با این اولویت موافق است، لذا «خط امام» را مورد پشتیبانی قرار داده است. پشتیبانی حزب توده ایران از خط امام، ناشی از تحلیل اوست، نه یک پشتیبانی مسالمتی و دیپلماتیک. نظری دیگری، که لیبیا و بخشی از نیروهای چپ آنرا دنبال می کنند، آنست که مبارزه از اول علیه استبداد و بخاطر آزادی بوده و بر سر سوط شاخهائی، اکنون دیگر آزادی را «فلازم» آخوندی، و «فاسد» مندی، تهدیدی کند و لذا ادامه منطقی مبارزه با اولی همانا مبارزه با دومی است. بر اساس همین تحلیل سطحی و غلط، که ناشی از عدم درک گشاد اصلی جامعه ایران (تضاد مردم با سیاست استعماری و امپریالیسم) است، عمل کرده و دیگری بدست می آید و آن اینکه، نه تنها رهبری کنونی انقلاب نباید مورد پشتیبانی قرار گیرد، بلکه مبارزه دست باید علیه خطری که از جانب رهبری وجود و مدافعتش، آزادی را تهدید می کند، متوجه شود. و نیز این نتیجه غلط حاصل میشود که اگر کسی از رهبری موجود انقلاب حمایت کند، دچار آلودگی و دنبال روی شده است یا به تیرنگ و مانور برای بدست آوردن مزایائی مشغول است.

این گروهی گویا از آنجا بر می خیزد که روشنفکران حامل این نظر، برخی از خواستههای محدود صنف خود را مطلق میکنند، ظاهراً روشنفکران لبرال و چپ، از نوعی «انحصار آیدولوژیک» در دست جناح اسلامی هراسنا کند و چون به آزادی دلخواه «خودشان» پایبندند، لذا مطالبه دیگری جز این نمی بینند که خروجی بر آورند، «آزادی در خطر است»

این سرنوشتی که از نوعی تفکری و ذهن گرائی صنفی بر می خیزد، موجب گشته پیشه سیاسی میشود. در آنرا این گونه بینی افراد عمدتاً غیر عمد میکنند و ماموریت را با پندیده مخلوط می سازند و تحلیل آنها سرشار از شبه استدلالهای فاسده آمیز، احساساتی و گمراه کننده است و غلط یا یکجانبه فاکتورها و استنتاجات و تمهیدهای نادرست است و با اصطلاح «انکار هدف میگذرد»

حقیقت آنست که یک انقلابی دوران ما و کشور ما باید با مراعات «اولویتها» در راه سه هدف زیرین مبارزه کند:

۱) مقدم بر همه علیه امپریالیسم (بر رأس آن امپریالیسم آمریکا) و بخاطر استقلال واقعی کشور، بعنوان شرط اساسی حل مسائل دیگر. ۲) علیه بقایای نظامات ارتجاعی و استثمارگری و برای تامین حقوق دمکراتیک توده های مردم و استقرار عدالت اجتماعی. ۳) در راه آزادیهای سیاسی و اجتماعی.

موافق این درجه بندی برای اولویتها، اگر احیاناً رژیم در راه هدفهای اولی رود می بخود کوشا باشد و احیاناً نسبت به هدف سوم روش مطلوب را در پیش نگیرد، به جهت باید از پشتیبانی یک نیروی انقلابی برخوردار گردد، زیرا این رژیم به بخشی از وظایف انقلاب ما تحقق می بخشد و آن هم به بخش عمده آن.

اگر بخوایم از نمونه ایران و رهبری امام خمینی سخن گوئیم، بنظر ما، این رهبری دارای خصلت ملی (ضد امپریالیستی) و خلقی (دفاع از حقوق زحمتکشان) است. در زمینه آزادیها هر چه میتوان این رهبری را طرفدار اشتقاق سیاسی دانست، زیرا وافتهای غیر از این نشان میدهد امام بارها مخالفت خود را با دیکتاتوری تسریع کرده است. لذا دلایل باقی نمی ماند که ما از یک رهبری فاصله بگیریم و یا آنرا طرد کنیم، تا چه رسد باینکه علیه آن دست به مبارزه بزنیم؛ تشویق این رهبری در حکم تقویت مخالفان آن در اردوگاه مقابل است (امپریالیسم، ارتجاع، بورژوازی)، ما باید این رهبری را در جهت مواضع ضد امپریالیستی، خلقی و دمکراتیک تقویت کنیم. و ما اینکار را میکنیم.

وقتی امام در خطاب به برخی از این نیروها از آنها می پرسد که، جای شما در جنبش کنونی مردم کجاست و آنها را فرا میخواند که در این مبارزه با او همراه باشند، این مطالب را نمی توان منطبق به کسی دانست که خواستار اشتقاق است. برعکس، این ندای وحدت است که باید بدان پاسخ مثبت داد. امام بارها نیروها و گروهها را به وحدت در مسیر انقلاب توصیه کرده است.

همه واقیعات دوران ساز این ایام را بنحویتخواه تفسیر کردند و از گوشه و کنار باین نتیجه رسیدند که همه چیز بازی و تظاهر است و خطر واقعی از جانب «فاسد» نوجو پدیده است (که گویا آنهم ساخته آمریکاست) و راه عبارتی است از توسل به سلاح، برای استقرار حکومت کارگری، حداقلی لطفی است و این در درجه اول به آن نیروهایسی که شایسته این سخنان سطحی میشوند و به گمراهی می روند و انرژی خود را در جهت نادرست بکار می برند.

ما تصور می کنیم که سیر حوادث بناچار عباد این فضاوتهای نادرست و سطحی را میمان خواهد کرد. ولی آیا بهتر نیست که یک نیروی مدعی مواضع انقلابی از حوادث و اینسانند و وظایف خود را در هر لحظه درک کند و بکار بندد؟

در مبارزات، بقول سعدی «دو چیز طبع عقل است»، یکی «خواست اندیشی»، یعنی جمع آوری ناکت ها و دلایلی که بسودما و پیشداوری ماست و دیدنند فاکتورها و واقعاتی که این پیشداوری را رد می کند و دیگری «اراده گرائی»، یعنی تصور آنکه اگر ما عزم خود را برامی جزم کردیم و در آن انجام و رسیدیم، قادریم به نیروی عزم و اراده خود چه از درگرو سازهیم و چه در سیر حوادث را تغییر دهیم و از آن غافل باشیم که خواست و اراده ما میدان تأثیر معینی دارد که حد آن امکانات واقعی است.

## مراسم یادبود افسران شهید توده های در اصفهان

پس از آن پیام کانون دانش آموزان ایران - بخش اصفهان قرائت شد.

در این پیام آمده است:

«کانون دانش آموزان ایران از همه دانش آموزان دعوت میکند که با اختلافات فرعی در میان خود دامن نزنند و با همزندی های مذهبی و غیر مذهبی صنف مبارزه دانش آموزان را محترم نشاند تا برای ضد انقلاب راه نفوذ در میان آنان بوجود نیاید. بیاید اتحاد گسترده و استوار همه دانش آموزان ایرانی را در مقابل شمارم زورخانه امپریالیستی، ترغیبند از حکومت کس، قرار دهیم و بکشیم تا سقوط خود را بیکارچه و متحد سازیم».

سپس سر «اگر ای مردم درک نامرد» از رفیق شهید سرگرج جعفر و کیلی خوانده شد. این شعر چنان همه را تحت تأثیر قرار داد که گوئی رفیق شهید خود بر اس درندگان فرزندان و ادامه دهندگان راهش قدم برافراشته، تجسم این شورش را، صبح فردا پیرم باز بخواند به سرود که به هوشیاری حزب پندم باد درود

در وجود حضار در جلسه بزرگداشت شهادت مشاهده می کند. در این لحظه اعلام شد که رفیق رضا شلتوکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در میان جمع است. همه با خاستند و مقدم رفیق قهرمان، «تا به شکیبایا کاهها و زندانهای رژیم منفورسنگون شده را گرامی داشتند. رفیق شلتوکی، با تبسمی که غبار در دورنجهای سالیان دراز را از رخسار ن مزه دود و فردائی روشن را نوید میداد، در جلوه یاران بود. شمارهای «دروود» بر کفش هرگز حزب ما، در درود بر شلتوکی قهرمان در سال طبعین انداز کردید. آنکار رفیق کارگری به پشت تریبون رفت و در حالیکه کوشش میکرد همچنان خود را آتش زد، و با درودهای آتشین به خاطر تانک شهیدان سازمان نظامی حزب توده ایران، بخصوص با گرامی داشت خاطر رفیق و هم شهری شهیدان سروان شهربانی نوراله شفاء، که خانوادهاش امروز در میان جمع ما حاضرند، بنام سازمان کارگران حزب توده ایران در اصفهان» آغاز سخن کرد.

رفیق کارگر گفت: «امروز ما هنگامی خاطر رفیقای شهیدمان را گرامی میداریم که جاسوسخانه امپریالیسم امریکایی، یعنی در حقیقت قاتل اصلی شهیدان ما و دیگر رزمندگان مهربان ما، به تصرف نیروی توفنده جوانان انقلابی و پیر خط امام در آمده و قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا برای اید بقا باله دان تاریخ انداخته شده است. این پیروزی در این مرحله از انقلاب در عین حال مشت محکمی است بر دهان پاد و گویائی از هر رنگ و باهر نقاب که پشتیبانی صادقانه و اصولی حزب ما را از امام خمینی، رهبر انقلاب، در دوران پیش و پس از

روزی پنجمین ۱۷ آبان ۱۳۵۸. مراسم بزرگداشت خاطر گروه سوم افسران شهید توده ای:

سرهنگ دوم امیر افشار بکشلو، سرهنگ محمد جلالی، سرهنگ دوم کاظم جمشیدی، ستوان یکم باقر و اله، سرگرد جعفر و کیلی در اصفهان برگزار شد. در این مراسم رفیق رضا شلتوکی عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران شرکت داشت.

تالار اقبال لاهوری دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، همادگاه ادامه دهندگان راه پرافشاری بود که در آن، مبارزان دلآورد توده ای افسران شهید حزب توده ایران، از تقدیر کنندگان، برنامه از ساعت پنج بعد از ظهر آغاز می شد. داورها با نمایشگاه عکس و پوستر و اولین گفتارها و دفاعیات این راد - مردان از خود گذشته راه آزادی خلق و تصاویری که صحنه های خونبار مبارزات گذشته را در خاطرها زنده می کرد، تزیین شده بود.

انطباعات مراسم با جوانان هوادار حزب توده ایران بر همه داشتند. این جوانان نشان گل سرخ و خادری که پیش پای داشت، بر بازو داشتند، که خود مظهری بود از زندگی سراسر حماسه آفرین و خونبار و پابرجای حزب توده ایران در صحنه پیکار.

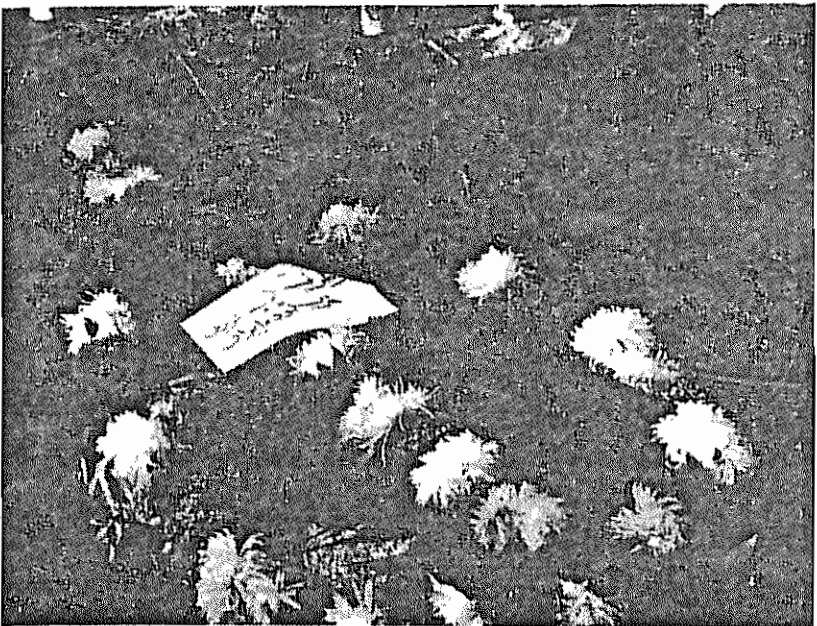
در پایان راهرو، نمایشگاه کتاب و نشریات و مطبوعات حزب توده ایران و سازمانهای وابسته بدان ترتیب داده شده بود.

ساعت پنج و ده دقیقه بعد از ظهر، مراسم یادبود با سرود حزب توده ایران آغاز گردید. سالن مراسم یادبود با تصاویر شهدای زنده یاد حزب توده ایران تزیین یافته بود. ارانته و روزبه همه شهیدان دیگر، گوئی در چشمخانه های انسانی بلوغ دوباره ای داشتند. مشعلهای رزمشان فروزنده بود و حرکت و پویانیشان رهنمای رزمندگان بهای خواسته برای آغازی دیگر و دیگر گونیهائی بنیادی تر. پس از پایان سرود حزب، پیام سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، بخش اصفهان بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد شهادت افسران سازمان نظامی حزب توده ایران خوانده شد.

در این پیام گفته میشود:

«سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران - بخش اصفهان در برابر بلندی روح این سرداران خلق سر تنظم فرود می آورد و افتخار داشتن چنین راد مردانی را بملت ایران و حزب توده ایران تبریک میگوید و عهد می بندد که در راه آنان برای سعادت و خوشبختی ملت ایران و حفظ و پیشبرد انقلاب شکوهمند ایران، بر رهبری امام خمینی، و قطع نفوذ رویت های وابستگی امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، با تمام توان خود بکوشد.»

سپس قطعه شعری زیر عنوان «رزم مشترک»، سرود برترین آدره، خوانده شد.



یوم مزار رفیق شهید اسداله آذری

روز ۷ آبانماه ۱۳۵۸، از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران دسته گلی بنام مزار رفیق شهید اسداله آذری شد. رفیق شهید آذری در حادثه انفجار قطار خرمشهر - تهران از زمره قربانیان توطئه ضد انقلاب بود. رفیق شهید آذری، که راننده ترابری بود، از یاران قدیمی و وفادار حزب توده ایران بود. یادش گرامی باد!

### در جلسه معارفه وزارت امور خارجه، آقای دکتر بنی صدر سرپرست وزارت امور خارجه گفت:

## مردم حق دارند شاهی را که اینهمه در این کشور جنایت کرده، مانند جنایتکاری طلب کنند

گرفته بود.

ما از آنها میخواهیم از جنایتکاران حمایت نکنند. بر دوش شاه، امریکاییان و برای ملت ما، آنها، بر علیه ما هر گونه جنایت کرده اند و حالا که شاه جنایتکار را میخواهیم، علیه ما تبلیغات میکنند.

آقای بنی صدر در مورد وظایف وزارت خارجه از جمله گفت: «ما نیاز به یک وزارت امور خارجه جدیدی برای رسیدن به هدفهای انقلابی نداریم. وزارت امور خارجه باید از کوشش برای تسلط بر ترموت و اقتصاد ما جلوگیری کند. کشور ما باید عتاق و مدار اقتصادی کشور را درست خود بگیرد. پس ما باید برای اجرای برنامه مستقل اقتصادی امکان فراهم کنیم.

هدف سلطه خارجی در گذشته تحمل سلطه و حاکمیت خود بر نظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ما بود. حالا کوشش میکنند مانع تحولات ماشوند و نگذارند ما به استقلال برسیم. ما باید تشریفات را کنار بگذاریم. تشریفات، تشریفات دوران جنک است. ما باید انقلاب را به پیروزی برسانیم، در غیر اینصورت تا بود خواهیم شد.»

در پایان مصاحبه خبرنگار «مردم» از آقای بنی صدر سؤال کرد:

پس از اشغال سفارت و مصاحبه دیر و زامان با نماینده پاپ، چه اقدام مشخصی وزارت امور خارجه برای استرداد شاه مخلوع کرده است؟ آقای بنی صدر پاسخ داد:

۱ - وزارت امور خارجه به تمام سفرای خود در خارجه دستور داده با تمام دولت و کشورها تپکه در آنجا ماموریت دارند، تماس بگیرند و درخواست مارا برای آنها توضیح دهند و حمایت آنها را به این خواست جلب کنند.

۲ - من تا در روز دیگر سفرای خارجی مهم تهران را به اینجا میخوانم و با آنها همین مطالب را در میان می گذارم. اقداماتی هم در سطح جماعت بین المللی از قبیل سازمان ملل متحد و شورای امنیت در این باره خواهیم کرد

و لطیفما در این جنک دشوار هست، اما نیاز به کار و کوشش فراوان دارد، چون خواست ما خواست برحق است.

مامیکوئیم در سراس تاریخ شریعت این رسم بوده که جنایتکار را باید مجازات کرد. اگر دول دیگر، به جنایتکاران پناه ندهند و جنایتکار را به کشور خود نپذیرند، جنایتکار هم از اول حساب کار خودش را میکند.

مردما حق دارند شاهی را که اینهمه در این کشور جنایت کرده و مردم ما را در دوره آن قربانی داده اند، مانند جنایتکاری طلب کنند. در تمام دوران پهلوی مردم ما محرومیت دیده اند.

میگویند سفارتخانه ها مکانهای مقدس هستند و کسی حق ندارد آنها را اشغال کند. اما این سفارتخانه های بوده که در تمام دوران گذشته همه چیزها، سیاست، اقتصاد و فرهنگ ما را در اختیار

هر روزی انقلاب، دنباله روی و فرست طلبی تعبیر می کردند.

رفیق کارگر در پایان سخنان خود نیروهای انقلابی را به پشتیبانی از شمار حزب توده ایران در باره تشکیل جبهه متحد خلق دعوت کرد.

پس از پایان سخنان رفیق کارگر، توسط یکی از رفیقای دختر شعر سیایش کسالی، «امریکا، امریکا، خواننده شد. آنگاه رفیق شلتوکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در میان شمارهای بی وقفه، درود بر کمیته مرکزی حزب ما، «دروود بر شلتوکی قهرمان» به پشت تریبون آمد.

رفیق شلتوکی در آغاز سخن گفت: «شهیدان توده ای در وجود حزب توده ایران زنده اند. این قهرمانان آزاده میهن پرستان بودند که برای رهایی میهن ما از تسلط اجانب و بخاطر نول سه آزادی و استقلال و دفاع از حقوق زحمتکشان، در راه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران و آرمانهای والای انسانی جان خود را فدا کردند. این قهرمانان شهید با ملتین شمارهای زنده باد ایران، زنده باد حزب توده ایران، مرگ بر امپریالیسم و نوکر دست نشانده آن شاه خائن سفیر ریکار جلادان را تحت تأثیر قرار دادند.»

رفیق شلتوکی، سپس به خط مشی اصولی حزب توده ایران در این مرحله از انقلاب اشاره کرد و گفت: «حزب توده ایران بر دغدغه، با گامهای استوار و پهنی که منطبق بر اوضاع و شرایط بفرنج انقلاب در این مرحله است، برای خود ادامه میدهد و در سمت مبارزه قاطعانه و یکپارچه علیه امپریالیسم گام بر میدارد»

سخنان رفیق شلتوکی پایان گرفت. همه از جای برخاستند و با شمارهای «دروود بر کمیته مرکزی حزب ما»، «دروود بر رفیق شلتوکی» سخنان وی را بدرقه کردند.

گرامی داشت شهیدان سازمان نظامی حزب توده ایران، با سرود حزب پایان یافت. شرکت کنندگان در این مراسم با امید به فردائی روشن، با امید به پیشرفت و تمیق روند انقلاب و پیروزی نهائی در فترت علیه امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم جهانخواه امریکا، به این مراسم پایان دادند.

دومین شماره دنیا منتشر شد

نمایش اسلاید از تاریخچه جنبش کارگری تا انقلاب اکتبر